



شعار نویسی
آشوبگران
بر روی
دیوار منازل

ضمیمه
هفتگی
روزنامه
ایران
پیاپی



چرا روی حجاب و عفاف به عنوان نقطه آغاز افتراق، به تعبیر شما، تمرکز کردند؟

به این دلیل تا وقتی که موضوع ما دشمنی های امریکا است، حتی آن بی حجاب ها یا به قول مقام معظم رهبری بدحجاب ها هم به میدان می آیند و نشان می دهند که اکثریت و قاطبه ملت ایران، یکپارچه مقابل این دشمنی ها می ایستند. به همین دلیل می بینیم در تشییع حاج قاسم، در راهپیمایی ۲۲ بهمن یا حتی در مسأله انرژی هسته ای و انتخابات، طیف های مختلف مردم در کنار هم و با هم قرار دارند و ما در این موضوعات و رویدادها، نه تنها نقطه افتراقی نمی بینیم، بلکه اساساً نمودها و نمادهای وحدت را مشاهده می کنیم. به همین دلیل، جریان های معاند خارج از کشور، روی موضوعی تمرکز کردند که اگر مطرح یا برجسته شود، این احتمال را می دادند که آن بخش ها، دیگر همراهی نشان ندهند. به همین دلیل روی مسأله پوشش تمرکز کردند. به عبارت دقیق تر، انتخاب موضوع حجاب به عنوان یک موضوع دوقطبی و رمز آشوب اخیر، بر این اساس بود تا آن بدنه کم حجاب یا بدحجاب که نظام را دوست دارد، به خاطر این مسأله، یعنی پوشش نتواند میان خودش و آدم های متفاوت با خود، همدلی و هم رنگی ببیند و ناچار شود دست به انتخاب بزند؛ طبیعی است که در این صورت چنین فردی، اغلب خودش، یعنی افرادی را که پوششی مانند خودش دارند انتخاب می کند و دیگر آن همراهی گذشته را که در سایر موارد و رویدادها دیده می شد نشان نمی دهد.

بنابر این از نظر شما به عنوان یک مقام امنیتی، مسأله حجاب به عنوان جرقه اغتشاش ها، یک مسأله طراحی شده است؟

به باور ما، انتخاب حجاب به عنوان نقطه دوقطبی سازی کاملاً طراحی شده است و بر اساس یک طراحی این موضوع را انتخاب کرده اند، زیرا هیچ موضوع دیگری نمی توانست اینها را به اینجا برساند. ما موضوعات اقتصادی و سیاسی نداشتیم، اما این مسائل به موضوعات امنیتی تبدیل نشد، اما این شکست ها و حتی موضوعی همچون سلام فرمانده و حمایت گسترده نوجوانان که شاهد آن بودیم، آنها را به این تصمیم رساند که یک موضوعی را برای ایجاد افتراق و دوقطبی انتخاب کنند که دقیقاً نقطه مقابل این همبستگی های ملی و

عمومی در کشور باشد.

نشانه های این طراحی چه بود؟

گزاره هایی که در ابتدای سال انتخاب کردند، دو محور داشت. یکی از آنها بحث اشاعه فحشا بود، یعنی نوعی تلاش برای قبح زدایی از تجاوز یا روابط نامشروع. در این معنا، ما ناگهان با طیفی از بازیگران مواجه شدیم که ادعا کردند فلانی با ما رابطه نامشروع برقرار کرده یا فلانی به ما تجاوز کرده است، حالا عنوانی که هر کدام برای آن انتخاب کردند، متفاوت بود.

منظور شما احتمالاً جنبش «می تو» است؟

بله، اما با وجود همه ادعاهایی که در این باره مطرح کردند، گفتند قوه قضائیه حق دخالت ندارد. در صورتی که درستش این بود که اگر ادعایی مبنی بر تجاوز مطرح شده، باید در قوه قضائیه رسیدگی و بررسی شود، ولو اینکه ۳۰ سال هم از آن گذشته باشد، باید در دادگاه بررسی شود تا ابعاد آن مشخص شده و متجاوز محاکمه شود یا مواردی از این دست؛ اما این مدعیان گفتند نه، نیازی به بررسی قضایی نیست و ما فقط می خواهیم این را مطرح کنیم. این دقیقاً براساس و مصداق آیه قرآن به معنای اشاعه فحشا است، یعنی این مسأله را مطرح کنید صرفاً برای اینکه در جامعه پخش شود و آن را با این نیت و هدف مطرح نمی کنید که رسیدگی شود. این مسأله، حدی از بی حرمتی و بی حیایی را در جامعه مطرح کرد، به این معنی که افراد فقط بیایند بگویند به آنان تجاوز شده تا آبروی کس دیگری را ببرند، زیرا اینها مسائلی است که از فرد خاطی شکایت می شود تا اثبات شود و اگر شکایت نشود، یعنی صرفاً می خواهید آبرو ببرید. به این ترتیب حرکتی در این راستا آغاز شد و بعداً موضوع گشت ارشاد هم تا حدی به مسأله تبدیل شد. دیدیم که برخی از خانم های محجبه علیه گشت ارشاد کمپین تشکیل دادند و موضوعاتی از این دست، آرام آرام به این سمت سوق داده شد که موضوع عفاف و حجاب به مسأله تبدیل شود، یعنی عفاف و حجاب نقطه ای شود که بتوان از آن ماجرای همچون اغتشاش ها را آغاز کرد.

بنابر این چنین مسیرهایی طی شد تا رسیدیم به مرحله ای که در آن ماجرای تلخ فوت خانم مهسا امینی اتفاق افتاد.

اکنون و البته براساس گزارشی که به تازگی پزشکی قانونی منتشر کرده، به ضرس قاطع می توان گفت خانم مهسا امینی نه ضربه ای خورده و نه از آن طرف، مسأله ای داشته است؛

زیرا برخی گمانه هایی مطرح کردند که شاید ایشان دارو یا سم خورده باشد که براساس بررسی هایم از پزشکی قانونی، این موضوع صحت ندارد و اصلاً در بدن ایشان هیچ نشانی از وجود سم نبود. بنابراین مسأله فوت ایشان از هیچ طرفی طراحی نشده بود، یعنی نه ناشی از نحوه هدایت ایشان به مقر پلیس امنیت اخلاقی بود، نه ناشی از اینکه دارو یا سمی مصرف کرده باشد.

شما به عنوان یک مقام امنیتی که سال ها کار کردید، چه برداشتی از رویداد فوت خانم مهسا امینی دارید؟

به نظر من این از مقدرات جمهوری اسلامی بود، یعنی اتفاقی که برای ایشان افتاد، می توانست در جای دیگری هم رخ بدهد. یعنی احتمال این وجود داشت که خانم مهسا امینی در هر جای دیگری دچار استرس و اضطراب شود، مثلاً از اضطراب یک تصادف برای ایشان چنین اتفاقی بیفتد یا در هر محیط دیگری که می تواند به انسانی که آن را نمی شناسد و تازه وارد آن شده است، اضطراب ایجاد کند، آن هم با این بیماری که ایشان داشت، اما قسمت شد و آمد و در این مسأله برایشان این اتفاق افتاد.

اما اولین مسأله ای که بعد از فوت ایشان مطرح شد و هنوز هم محل بحث و مناقشه است، نحوه اطلاع رسانی درباره این اتفاق است. اطلاع رسانی به این نحو که جریان های برانداز و معاند نتوانند روی موج خبری این رویداد تأسفار، سوار شوند. خب ما در بحث اطلاع رسانی مشکلاتی داریم که اغلب به دلیل فرایند بوروکراتیکی است که در این حوزه وجود دارد؛ به این صورت که برای اطلاع رسانی که امری فوری، لحظه ای و با دقت بالا است، اغلب در داخل دچار این امر هستیم که باید بین افراد مختلف به صورت یک فرایند اداری، مراحل را طی کند تا در نهایت بتوانیم اطلاع رسانی داشته باشیم؛ در صورتی که اگر فکری برای این فرایند بوروکراتیک می کردیم، چه بسا از روز اول خیلی راحت می توانستیم این مسأله را سریع اطلاع رسانی کنیم.

حالا اینجا این مسأله مطرح می شود که مادر اطلاع رسانی فوری و اولیه، قرار بود روی چه موضوعاتی تمرکز کنیم؟

ببینید! ما فیلم های لحظه خروج ایشان از مترو را داریم، در ون پلیس امنیت اخلاقی هم گرچه فیلمی در اختیار نیست، اما به طور دقیق می دانیم که دو خانم قبل از ایشان سوار شدند و بعد از سوار شدن خانم مهسا امینی هم ۴ نفر دیگر سوارون شدند. بنابراین ما اینجا ۶ نفر را در اختیار داریم، اما این را به شما بگویم که تا همین اواخر، دوستان دلسوز ما در بیرون از مجموعه های امنیتی، هماهنگی هایی با برخی شبکه ها برای بررسی فیلم ها و شواهد انجام دادند تا در نهایت یک بسته خبری یا مستند در این باره آماده شود، مثلاً اینکه آن ۶ خانم دیگر بیایند جلوی دوربین و بگویند واقعاً چه اتفاقی افتاده است، اما متأسفانه ما زمان را از دست دادیم، به این معنی که پس از بروز اغتشاش ها، آن خانم ها اعلام کردند حاضر هستیم پشت دوربین توضیح بدهیم، اما با فضای ایجاد شده می ترسیم جلوی دوربین بیاییم و مصاحبه کنیم، چون ممکن است برخی جریان های ضدانقلاب مشکلاتی برای ما ایجاد کنند، ضمن اینکه امروز دیگر چنین مستنداتی موضوعیت و فایده مندی گذشته را ندارد. مجموعه این شرایط که به آن اشاره کردم باعث شد نتوانیم روایت اول از ماجرا را ارائه دهیم، در حالی که همه مستندات عینی و دقیق آن را در اختیار داشتیم، یعنی فیلم دوربین بیرون آمدن از مترو، وجود شاهد عینی هنگام سوار شدن به ون و بعد هم دوربین پیاده شدن از ون در حیاط پلیس امنیت اخلاقی.

بعضی ها درباره جلسات توجیهی که در پلیس امنیت اخلاقی برای خانم ها برگزار می شود مسائلی را مطرح می کنند، مثلاً گفته می شود این محیط استرس زا است.

این هم شبهه ای بود که مطرح شد. اما واقعیت این است آن تصویری که از تلویزیون پخش شد، کادر بسته از آن سالن است، اما در کادر باز، مشخص است که ۶-۷ نفر از خانم های حاضر در آن سالن و آن جلسه، کشف حجاب کرده اند، یعنی اینقدر جلسه برایشان آسان و بدون فشار بوده که بدون روسری بودند. چون همان طور که اشاره کردید، بعضی ها مدعی هستند در این محل به خانم امینی استرس وارد شد،